



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا
الله لولم يكن الله ذو فضل
لما كنا لنهتدي لولا فضل
الله العظيم ربنا ورب كل شيء
فالأسماء كلها لا اله الا
الله العليم الغني

١٥٥٢٥٦

موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام
پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ

موضوع:

حیات و اندیشه سیاسی احمد بن حنبل

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر داوود فیرحی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حسین مفتخری

دانشجو

زهراروح الهی امیری

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۳

زمستان ۱۳۸۳

کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی
تبریز

۱۰۵۲۵۶



تاریخ: ۸۴/۷/۱۷

شماره: ۳۲۸۴/۱۴۰۳

پیوست: —

صورت جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه خانم: **آملی زهرا روح الله میر دانشجوی رشته تاریخ گرایش** در مقطع **ارشد** تحت عنوان **حیات و اندیشه سیاسی احمد بن حنبل** در تاریخ **۱۳۷۴/۷** با حضور هیأت داوران مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) برگزار گردید. نظر هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد:

غیر قابل قبول

دفاع مجدد

قبول با امتیاز عالی
نمره ۲۰ به نسبت ۲۰

امضا	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	دانشیار	حاج آقا دکتر فرحی	۱) استاد راهنما
		حاج آقا دکتر فقهی	۲) استاد مشاور (۱)
		حاج آقا دکتر میرحسینی	۳) استاد مشاور (۲)
		حاج آقا دکتر میرحسینی	۴) استاد ناظر
		حاج آقا دکتر صلاحی	۵) نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی

نام و امضای
مدیر برنامه ریزی و خلیفات آموزشی

نام و امضای
مسئول امور پایان نامه ها

توضیح: با توجه به آیین نامه پایان نامه های مؤسسه امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص می گردد.

الف) کارشناسی	ب) کارشناسی ارشد
۱- نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی	۱- نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی
۲- نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب	۲- نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب
۳- نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب	۳- نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب
۴- نمره ۱۰ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول	۴- نمره ۱۲ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول
۵- نمره کمتر از ۱۰ غیر قابل قبول	۵- نمره کمتر از ۱۲ غیر قابل قبول

* محاسبه میانگین ارزشیابی اعضای هیأت داوران توسط نماینده شورای پژوهشی انجام می گیرد.

تشکر و تقدیر

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

بی شک گام نهادن در عرصه تحقیق، مرهون تلاش جمعی است که نقش هر کدام از آن‌ها کلیدی بوده لذا از همه اساتید و معلمین که مرا وارد این عرصه نمودند و تفکرات اصیلشان راه گشای این جانب بوده تشکر و قدردانی می‌کنم.

تقدیر و سپاس از جناب آقایان دکتر فیرحی که با راهنمایی‌ها و همراهی دلسوزانه خود مرا در رسیدن به این مهم یاری دادند و دکتر مفتخری که با سعه صدر و دقت فراوان به عنوان مشاور مرا در روند اجرایی این تحقیق کمک نمودند.

بر حسب وظیفه از سایر اعضای گروه تاریخ نیز به خاطر همراهی اینجانب تشکر می‌کنم.

در پایان از همه کسانی که در طول مدت تحصیل، مشوق اصلی بنده بوده‌اند خصوصاً از همسر و فرزندان عزیزم که با تحمل همه سختی‌ها بزرگترین پشتیبان من در رسیدن به این مدارج علمی به حساب می‌آیند تشکر ویژه می‌نمایم.

چکیده

روند جریان فکری - سیاسی قرن اول و دوم هجری زمینه لازم جهت ایجاد عقاید استبدادی را فراهم آورد. ترویج و بسط عقاید مرجئه و جبر توسط امویان و حمایت از اندیشه و تفکر عثمانی دو عاملی بود که سبب رشد جایگاه حاکمان و تفضیل خلفا گشت.

بدنبال این سیاست، ساختار سیاسی مسلمانان در چارچوب حمایت از قدرت و توجیه اقتدار منحصر شد چرا که سنت پیامبر تحت تأثیر شرایط سیاسی، فکری خاصی که بیان شد، قرار گرفت و توسط کانال‌های معین به این عصر رسید.

لذا فقه سیاسی هم سمت و سویی ویژه یافت که توجیه اقتدار وجه غالب آن بود. این فقه بر محور خلافت خلفای اولیه و نظام سیاسی آن دوره شکل گرفت. لذا در بررسی اندیشه احمد سؤال اساسی این است که ارتباط احمد به عنوان یک فقیه با حاکمیت چگونه بود؟ احمد در باب مشروعیت حکومت و انعقاد خلافت، شوری را مهمترین وجه مشروعیت نهاد آن می‌داند. اگرچه در مورد خلافت سه گانه با طعنه مسائلی را مطرح می‌کند و به گونه‌ای شیوه انتخاب آنها را به نقد می‌نشیند اما در مورد امیر استیلا به واسطه روایت‌های را از او نقل می‌کند که حکایت از پذیرش این شیوه را دارد.

اما در مورد جایگاه حکومت، در حالی که اکثر علمای اهل سنت در دفاع از سلاطین جائر متفق هستند و یزید را با همه فسق و اعمال زشت خود تبرئه می‌کنند، احمد به روایت شاگردان و پیروانش اولین کسی است که یزید را به سبب اقداماتش، فاسق و خروج امام حسین علیه السلام را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در بحث خروج از حاکمان احادیث فراوانی از او نقل شده که همراهی با حاکمان جائر را مشروع نمی‌داند اگرچه احادیثی از او نقل شده که عدم خروج بر حاکم را تأکید می‌کند. ولی با توجه به محتوای این احادیث و تقیدهای مکرری که در آنها آمده، معلوم می‌شود که دو نوع حکومت را مد نظر داشته است. او خروج بر حاکم عادل را منع و خروج کننده را خارج از جماعت مسلمین می‌داند همان طور که خروج بر حکومت امام علی علیه السلام را نامشروع می‌داند. در مقابل، خروج بر حاکم جائر را مورد تأیید قرار می‌دهد. و مردم باید تنها در امور مربوط به خدا - جهاد - زکات - نماز - از حاکمان پیروی کرده و حق او را به جای آورند. اما در مورد جایگاه خلافت، امر تفضیل و جایگاه صحابه همانند بسیاری از علمای اهل سنت آن را بسیار رفیع می‌داند لذا اقدامات آنها را به عنوان مسندی برای مسائل عقیدتی و سیاسی می‌دهد. در نتیجه قبول خلافت و افضلیت آنها امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. سیر اعتقاد او راجع به فضیلت و تعداد خلفا را باید در یک پروسه زمانی مورد توجه قرار داد.

دسته‌بندی این احادیث به سه مقطع ابتدا أحمد را در جرگه تندرهای اهل حدیث قرار می‌دهد. در این مقطع او معتقد به خلافت ابابکر و عمر و عثمان و عثمان است و سنت را هم، چنین می‌داند، اما نقل روایات جدید مبنی بر پذیرش علی علیه السلام به عنوان خلیفه چهارم و ترویج اندیشه تریع، حاکی از ایجاد یک فضای جدید و متعادل در افکار اهل حدیث بود. او پا را فراتر نهاد و در مقابل مقدم دانستن علی علیه السلام بر عثمان سکوت نموده و تلویحاً آن را قبول نمود. این پذیرش او را به متشیعان کوفه و واسط نزدیک کرد. تا جایی که با همه شرایط سیاسی خاصی که در بغداد به واسطه حضور اهل حدیث تندر وجود داشت، او منکران علی علیه السلام را فاسق و فاجر و خود را ملزم به اثبات حقانیت امامت او می‌دانست. شخصیت‌ها و نویسندگان شیعی روایت‌هایی از او نقل کرده‌اند که حکایت از آن دارد، افضلیت علی علیه السلام را حتی بر خلفای سه‌گانه هم پذیرفته است. روایت‌های فراوانی مثل حدیث منزلت، مؤاخوآه، غدیر، خیبر، تطهیر، کساء، یوم الدار، سدالابواب، و... این فرضیه را قوت می‌بخشد. نتیجه آن که اگر چه أحمد راوی احادیث فراوانی بود که در درون خود، نگاهداشت و پاسداشت حاکمان را جای داده بود، ولی این تئوری که أحمد مبدع اندیشه استبدادی و حمایت از حاکمان جور است، رد شد کلمات کلیدی این پایان نامه، اندیشه استبداد و حاکمیت می‌باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه:.....
۱.....	بیان مسأله.....
۱.....	علت انتخاب، اهمیت و فایده.....
۲.....	هدف.....
۲.....	سابقه پژوهش.....
۳.....	سؤال اصلی پژوهش.....
۳.....	فرضیه.....
۳.....	سوالات فرعی.....
۳.....	پیش فرض های پژوهش.....
۴.....	مفاهیم و متغیرها.....
۴.....	روش پژوهش.....
۴.....	سازمان دهی پژوهش.....

فصل اول

چارچوب نظری

۶.....	مقدمه.....
۷.....	نظریه سیاسی چیست؟.....
۱۲.....	گام اول: مشاهده بی نظمی.....
۱۵.....	علل و درمان ها.....
۱۷.....	از هم پاشیدگی و بازسازی.....

۱۸	جنبه وجودی بازسازی
۲۰	نظریه پردازان و جامعه بازسازی شده
۲۱	رابطه بین «هست» و «باید»
۲۲	پیچیدگی داده‌ها
۲۳	۱- افق قابلیت‌ها
۲۳	۲- محدودیت امکانات
۲۴	۳- محدودیت و ضرورت
۲۴	واقعیت‌ها

فصل دوم

حیات احمد بن حنبل

۲۸	بخش اول:
۲۸	حیات اجتماعی و علمی
۲۸	۱- تولد و تحصیل
۳۳	۲- جایگاه علمی و اجتماعی احمد
۳۷	۳- سیره و اخلاق احمد
۴۵	۴- تألیفات احمد
۴۸	بخش دوم
۴۸	حیات سیاسی احمد
۴۸	۱- اوضاع سیاسی زمان
۵۴	۲- نقش احمد در وقایع سیاسی
۵۵	ایام معتصم
۶۱	ایام واثق
۶۲	زمان متوکل

فصل سوم

اندیشه سیاسی احمد

۶۹.....	شرایط فرهنگی سیاسی قرن اول و دوم هجری.....
۷۱.....	اولین بحران.....
۸۰.....	بخش اول:.....
۸۰.....	اجماع، استخلاف، شوری، استیلا.....
۸۰.....	مشروعیت حکومت‌ها.....
۸۲.....	امیر استیلا.....
۸۵.....	بخش دوم:.....
۸۵.....	حکومت جائز و عادل.....
۸۷.....	خروج علیه حاکمان.....
۹۱.....	اطاعت از حاکمان.....
۹۶.....	جایگاه مردم در حکومت.....
۱۰۰.....	بخش سوم:.....
۱۰۰.....	خلافت و تفضیل در نظر احمد.....
۱۰۰.....	ترتیب خلافت.....
۱۰۳.....	ترتیب فضیلت.....
۱۰۶.....	منزلت و جایگاه امام علی <small>علیه السلام</small> و اهل بیت در اندیشه احمد.....

فصل چهارم

تأثیر اندیشه احمد بر پیروانش

۱۲۴.....	ابوبکر خلال.....
۱۲۷.....	محمد بن حسین بن فراء.....
۱۳۴.....	ابن تیمیه.....
۱۵۱.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....

مقدمه:

بیان مسأله

این پژوهش بر آن است تا زندگی و حیات سیاسی، اجتماعی ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴) را مورد بررسی قرار دهد. او رهبر فرقه حنابله یکی از مذاهب اربعه اهل سنت است. بررسی اندیشه سیاسی این رهبر فقهی به واسطه نقش مهمی که در وقایع مهم عصرش ایفا کرد دارای اهمیت به سزایی است. در این تحقیق به دنبال بیرون کشیدن نقطه نظرات سیاسی احمد از دل مطالب فقهی سیاسی وی که در گفته‌ها و اقوالش به آن اشاره نموده هستیم. علاوه بر آن دنبال کردن نقش سیاسی او در واقعه مهم محنت و ایستادگی او در برابر معتزله دیگر اقدامات این پژوهش است. چرا که احمد با این اقدامات به عنوان رهبر فقهی، سیاسی اهل حدیث شناخته شد و راه و روش او در تنظیم مبانی فکری فرقه حنبلی بسیار تأثیر گذار بود.

علت انتخاب، اهمیت و فایده

با توجه به نفوذ افکار احمد در میان اهل حدیث که بزرگترین قشر اهل سنت را در بر می‌گیرد، شناخت افکار و اندیشه او را بسیار مهم می‌نمایاند. تناقضات صریح و آشکار در میان گفته‌های احمد با رفتار و اندیشه پیروانش هر متفکر و اندیشمندی را به تأمل وادار می‌دارد. نظرات معتدل و جانبدارانه احمد از اهل بیت، خصوصاً علی علیه السلام در مقابل دشمنی بی حد و حصر حنابله در قرون بعدی، راه کنکاش در عقاید اولیه حنبلی‌ها را لازم جلوه می‌دهد. تا بدین وسیله راه روشنی را در برابر پیروان این مذهب بگشاید. حنابله یکی از سرسخت‌ترین فرقه‌ها در برخورد با شیعیان محسوب می‌شوند برخوردارهای آنها با شیعیان

محله کرخ بغداد در قرون سوم و چهارم از دید هیچ مورخی پنهان نمانده و در ادامه ابن تمیمه یکی از سرسخت‌ترین اندیشه پردازان حنبلی، بنیان‌گذار عقایدی شد که در نهایت در درون خود فرقه وهابیت را پروراند. فرقه‌ای که در دشمنی با شیعه و اهل بیت خصوص علی علیه السلام گوی سبقت را از همگان ربوده است. لذا با دقت در این مقوله لزوم شناخت افکار احمد بن حنبل بر ما آشکار می‌شود. تا بدین وسیله راه برای تقریب مذاهب اسلامی فراهم گردد. و بتوان در یک محیط آرام و بدون تعصبات خاص فرقه‌ای به بحث و تبادل نظر در مورد مذاهب اسلامی مبادرت ورزید.

هدف

احمد رهبر فقهی مذهب حنبلی است. لاجرم نظرات فقهی و کلامی‌اش بیشتر مورد توجه بوده است. او راجع به مباحث کلامی چون تشبیه، رویت خدا، ایمان، کفر و مباحث فقهی به طور گسترده نظرات فراوانی مطرح کرده است، اما در این تحقیق بیشتر سعی آن است که متفاوت با مباحث مطرح شده نظرات احمد راجع به خلافت، تفضیل، جایگاه حکومت و مردم و همچنین منزلت اهل بیت خصوص علی علیه السلام مطرح شود. علاوه بر آن در قسمت مربوط به زندگی احمد، نقش سیاسی او در وقایع مهم عصرش نیز مشخص می‌گردد. لذا از طرح مباحث کلامی پرهیز شده و هدف تحقیق، ارائه نظرات سیاسی او در زمینه‌های مختلف می‌باشد.

سابقه پژوهش

احمد بن حنبل از معدود افرادی است که اندیشه سیاسی او تا به حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است. جست‌وجو و گریخته مقالات معدودی راجع به آراء کلامی او در باب حدوث و قدم کلام الهی، عدل، تشبیه و رویت خدا در برخی مجلات داخلی نوشته شده است. و نیز بحث مستقلی راجع به نظرات سیاسی او در میان اهل سنت در مقاله ضیاء الدین احمد

با عنوان «برخی جنبه‌های اندیشه سیاسی احمد» در مجله مطالعات اسلامی مطرح شده. چند مقاله کوتاه هم در مورد احادیث مسند و جایگاه این کتاب در روزنامه همشهری توسط «مهدی علیزاده» نوشته شده است. دائرة المعارف اسلامی هم در بخش ششم خود در مقاله‌ای با نام «احمد بن حنبل» و «اهل حدیث» جنبه‌های مختلف زندگی او را مد نظر قرار داده است. اما در هیچ کدام از این مقالات به اندیشه‌ها و نظرات سیاسی او به طور مستقل پرداخته نشد. و اگر شده با پیش زمینه‌های ذهنی خاصی صورت گرفته است. مقاله رسول جعفریان با عنوان «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت» هم تا حدودی به نقش او در رواج اندیشه تربیع پرداخته که قابل توجه است.

سؤال اصلی پژوهش

رابطه اندیشه احمد با الگوی حاکمیت چگونه است؟

فرضیه

۱- اندیشه احمد منتج از استبداد است — اصلی

۲- اندیشه احمد منجر به استبداد است — رقیب

سؤالات فرعی

۱- اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان احمد بن حنبل و نقش او در وقایع مهم عصرش چه بوده است؟

۲- جایگاه خلافت عباسی در اندیشه احمد و ارتباط او با حاکمان وقت چگونه بوده است؟

۳- تأثیر افکار احمد بر نظریه پردازان آینده (ابوبکر خلال، ابن فرّاء، ابن تمیمه) تا چه

حدّ بوده است؟

پیش فرض‌های پژوهش

۱- احمد بزرگترین رهبر فکری اهل حدیث و مذهب حنبلی است.

۲- او در واقعه محنت مخالفت رسمی خود را با نظرات خلفای عباسی اعلام کرد.

مفاهیم و متغیرها

مفاهیم: اندیشه — استبداد

متغیرها: اندیشه احمد — متغیر وابسته

حاکمیت زمان — متغیر مستقل

روش پژوهش

تحلیلی - تاریخی

سازمان دهی پژوهش

فصل اول، چارچوب نظری

فصل دوم: حیات احمد بن حنبل

در این فصل به زندگی احمد از زمان تولد تا زمان مرگ او اشاره می‌شود و مطالبی چون تحصیل، شاگردان، اساتید، تألیفات و نقش او در وقایع سیاسی نیز در این قسمت گنجانده شده است.

فصل سوم: در این فصل اندیشه سیاسی او با توجه به روندی که جریان تفکر فقهی اسلامی طی کرد و تا عصر او رسیده مورد توجه قرار می‌گیرد. تأثیر این جریانات بر اندیشه او از مواردی است که پرداخته شده. سپس بحث‌های مربوط به خلافت، تفضیل، منزلت و جایگاه اهل بیت از موارد عمده این فصل است.

فصل چهارم: با توجه به مطالب مطرح شده در اهمیت موضوع تفاوت دیدگاه احمد با پیروانش بسیار واضح است لذا این فصل به این امر اختصاص داده شد که اختلافات عمده بین احمد و پیروانش بیشتر در چه مواردی است.

در پایان نیز نتیجه‌گیری کلی از تحقیق آورده شده است.

فصل اوّل

چارچوب نظری

مقدمه

اندیشه سیاسی در دوران اسلامی به واسطه اهمیت فراوان که برای مسلمانان دارد جزو پژوهش‌هایی است که تا بدین زمان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اما شیوه پرداختن به این موضوع و نقادی اندیشه‌های سیاسی در بین پژوهشگران و محققین راه‌های مختلفی را به خود اختصاص داده است. شاید تاکنون در پژوهش‌ها اهتمام به داشتن چارچوب خاصی برای تحقیق نبوده یا اگر بوده بیشتر شیوه‌های پوزیتیویستی حاکم بوده است. اما شیوه این تحقیق که با توجه به کتاب فهم نظریه‌ها اثر اسپریگنز انتخاب شده و خود اسپریگنز در نوشتار کتاب اشاره نموده روش همراهی با نظریه پرداز و اندیشمند می‌باشد. یعنی از آغاز همراه با فرد فکر می‌کنیم با معضلات و بحران روبرو شده و با جریان تفکر او تا رسیدن به نظریه و راه حل، ادامه خواهیم داد.

ابتدا برای شروع بحث به این مطلب می‌پردازیم که علم سیاست چه رسالتی را بر عهده دارد.

سپس تعریفی از نظریه سیاسی ارائه داده و در نهایت شیوه و متد اسپریگنز را در بررسی نظریه و اندیشه سیاسی معرفی می‌کنیم.

علم سیاست به دنبال آن است که روند تصمیم‌گیرهای سیاسی را در جامعه شناسایی کند، این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه شناخت کاملی از اجتماع و سازکارها و خصوصیات افرادی که تصمیم‌ها را اتخاذ می‌کنند به دست آید. (اسپریگنز، فهم نظریه‌های سیاسی، ص ۱۹).

در جوامع، روابط نظام یافته‌ای وجود دارد که افراد در خلال این روابط با هم در ارتباطند و نیازهای اجتماعی خویش را برآورده می‌کنند. این جوامع سیاسی که مخلوق آگاهی بشرند دارای اهدافی غیر از بقا هستند. یعنی تنها هدف آن باقیماندن نمی‌باشد. بلکه رهایی از مصیبت‌های طبیعی و دفع تجاوز انسان‌های دیگر، خوراک و پوشاک حتی شیوه دوست یابی جزء نیازهای مهم انسان در جامعه محسوب می‌شود. پس بسته به اینکه جامعه چه هدفی را در سرلوحه کار خود قرار دهد، نهادهایی را برای رسیدن به این هدف ایجاد می‌کند.

از آنجا که سرنوشت افراد در جامعه رقم زده می‌شود، در نظریه سیاسی سعی می‌شود تا بیش همه جانبه‌ای نسبت به جامعه سیاسی ایجاد شود. نظریه پرداز در رسیدن به این بینش با مطالعه موضوعاتی چون سرشت آدمی و جهان پیرامون او به تعریف دلخواه خود در مورد سیاست می‌رسد.

این بینش توصیفی هنجاری به شناسایی بازیگران، عوامل و چارچوب‌های سازنده زندگی سیاسی می‌پردازد. افزون بر آن، روابط سیاسی بین این شاخصه‌ها را شناسایی می‌نماید.

نظریه سیاسی چیست؟

طرح کلی در هر نظریه سیاسی، توصیف همه جانبه‌ای از کنش و واکنش‌هایی است که در ورای قیل و قال سیاست می‌گذرد. (پیشین، ص ۲۲) دورنمای سیاسی که نظریه‌ها ارائه می‌دهند چشم انداز وسیعی از نظم یا آشفتگی، پیروزی یا مصیبت، موفقیت یا شکست، همیاری اجتماعی یا جنگ هستند. نظریه پرداز با ارائه تصویری کلی از سیاست، به انسان امکان می‌دهد که دریابد کدام قسمت از رفتارهای سیاسی ویرانگر، نارسا، احمقانه و غیرمنطقی است. مانند مدیسون که عواقب سوء تفویض قدرت حکومت به یک فرد را توضیح می‌دهد. نظریه سیاسی با در نظر گرفتن زمینه کلی نیازها و امکانات بشر، زمینه

قضاوت در مورد بخردانه بودن اعمال و ترتیبات سیاسی را فراهم می‌کند. دیدگاهی فراهم می‌شود تا از طریق آن دریابیم که چه می‌کنیم و کیفیت کارمان چگونه است. (پیشین، ص ۲۳). هر نظریه پرداز یقین دارد که بشریت با پیروی از حکمت‌های آنان خواهد توانست بر کشمکش‌ها و محرومیت‌های اجتماعی فائق آید و نظام سیاسی قابل قبولی را ایجاد نماید. برای این کار ابتدا باید نظریه‌های سیاسی را فهمید. برای فهم یک نظریه سیاسی، راه حل‌های متفاوتی ارائه می‌شود که در ابتدا به مسائلی که در آن مطرح می‌شود باید توجه نمود، یا هدف آن را مورد بررسی قرار داد و یا حتی راه حل‌های ارائه شده را ارزیابی نمود. ابتدا چند موضوع عام نظریه سیاسی را باید شناخت، مسائلی چون «معیار عدالت»، «رابطه فرد و جامعه»، «تفویض قدرت» شناخت این موضوعات در نظریه سیاسی می‌تواند ما را در درک جامعه سیاسی یاری دهد. (پیشین، ص ۲۸).

شناخت هدف، راه حل و همچنین موضوعات، هر کدام به تنهایی یا در جمع، درک عمیقی از سرشت نظریه‌های سیاسی ارائه می‌دهد. اما در واقع درک هر فعالیت فکری، بدون درک مشکلات اساسی که با آن روبروست و هدف‌های روشنفکرانه آن، راه حل‌هایی را ارائه می‌دهد که، امکان‌پذیر نیست. این شیوه‌ها اگر چه ضروری‌اند اما ناقص‌اند و درباره حدها و چگونگی گذشتن از مرحله‌ای و رسیدن به مرحله دیگر سکوت کرده‌اند. برای کامل‌تر شدن تصویر نه تنها:

۱- باید سؤالات سرنوشت ساز را شناخت.

۲- از چرایی و چند و چون پاسخ آن‌ها هم با خبر بود.

۳- بدانیم اهداف کدامند.

۴- رسیدن به این اهداف را هم دنبال کنیم.

۵- راه حل‌ها را بشناسیم.

۶- سرچشمه و نحوه توجیه این راه حل‌ها را نیز دریابیم.

این شش مرحله نشانگر این تفکر است که برای درک واقعی هر جستار باید دقیقاً به

روند فکری آن پی برد و به منطق درونی پدیده‌ها توجه کرد. مؤلف و راهنمای این شیوه معتقد است که منطق بازسازی شده شیوه تحقیق، بدون یاری گرفتن از پویایی «منطق درونی» احتمالاً تعریف گمراه کننده و تحریف شده از موضوع ارائه می‌دهد. منطق بازسازی شده، تصویری آرمانی از موضوع بیش نیست که ضمناً انتزاعی نیز هست. هر مطلب انتزاعی و آرمانی، صرف نظر از جنبه‌های مثبت آن. سؤ تعبیر خاصی بیش نیست.» (پیشین، ص ۳۱).

اگر برای فهم هر مطلبی صرفاً بر بازسازی‌های بعدی مشکل - شکل پوزیتیویستی - به منزله مبنای درک و استنباط امر مورد نظر تأکید شود، نارسایی به بار می‌آید و نتیجه کار احتمالاً گمراه کننده است. همانطور که تامس کوهن در کتاب خود - ساختار انقلاب‌های علمی - اشاره می‌کند که این همان بلایی است که علوم تجربی به آن دچار شده است. به نظر او از آنجا که بشر برای درک علوم، مشاهداتش را بر موفقیت‌های علمی کامل شده بنا می‌کند خود را بیشتر گمراه کرده است. (پیشین، ص ۳۱)

رهیافت منطق بازسازی شده، کلیت بعد وجودی نظریه‌های سیاسی را که بعد پویا و جاذب آن است از میان برمی‌دارد و محو می‌کند، نظریه‌های سیاسی در دنیای واقعی با مسائل انسانی سروکار دارند. از سردرگمی‌ها، سرگشتگی‌ها، محرومیت‌ها و بحران‌هایی که در پی حل و غلبه بر آن‌هاست، آغاز می‌کنند. البته مطالعه نظریه سیاسی با روش منطق بازسازی شده نه این که غلط و بی فایده باشد ولی به این می‌ماند که انسان برای مطالعه حیات بشر از جسم مرده او آغاز کند.

لذا تولمین معتقد است که: «این تغییر نگرش انسان را وامی‌دارد تا تجزیه و تحلیل‌های ایستا و سرسری را که متفکران با آنها مفاهیم روزمره علوم طبیعی و دیگر فعالیت‌های فکری را توضیح داده‌اند رها کند. به جای آن انسان تصویر متحرک تاریخی از فعالیت‌ها و روند تفکر ارائه دهد و از آن طریق امیدوار باشد که در نهایت برپایه تاریخی، مفاهیم را درک کند و بدین نحو سرشت و ریشه منطق آن‌ها را دریابد.» (ص ۳۴)

ما می‌توانیم درک منطق درونی نظریه سیاسی را که الگویی برای شناخت نظریه سیاسی است. دنبال کنیم، یعنی از جایی که یک نظریه پرداز آغاز می‌کند همگام با او شروع کرد، از احساس مشخص سردرگمی و حیرتی که او را به تفکر واداشته است. روند جستار پس از آغاز، خود پویایی درونی پیدا خواهد کرد. پاسخ به سؤالات اولیه و ارائه راه حل، سؤالات جدیدی را مطرح می‌کند که به نوبت به آنها رسیدگی می‌شود.

نظریه پرداز در پی ارائه راه حل برای مشکلات است. بحران‌هایی که می‌تواند نقطه آغاز نظریه پرداز باشد. همانطور که نظریه پرداز از بحران‌های سیاسی که جامعه با آن درگیر است آغاز می‌کند و می‌کوشد تا ابعاد و سرشت بحران‌های اجتماعی را دریابد و به دنبال ارائه شیوه حساب شده و متکی به تعمق در جوانب موضوعات مطرح شده است تا مردم به کمک آنها با مسائل برخورد کنند، منطق درونی هم حکم می‌کند که برای شناخت این قسمت از مرحله‌ای آغاز کند نظریه پرداز بحران سیاسی و بی‌نظمی را در زندگی سیاسی دریافته است.

مشکلات و بی‌نظمی‌های سیاسی اجتماعی در هر جامعه‌ای زمینه‌ای برای بروز نظریه‌ها می‌تواند باشد. قرون اولیه و مشکلات سیاسی فراوانی که در آن بروز یافت، زمینه حضور اندیشمندان را فراهم آورد. هر کدام از آنها با دغدغه حفظ سنت پیامبر و صحابه ایشان نظرات خود را راجع به موارد مختلف سیاسی، فکری، فرهنگی ابراز داشتند. عکس العمل‌های آنان در مواجهه با مسائل مختلف شیوه‌های فکری جدیدی را بنا گذارد و مشرب‌های خاصی را ایجاد کرد که دارای اصول و فروع خاصی در فقه بود. احمد بن حنبل هم از این قسم بی‌نصیب نبود. احمد به عنوان یکی از بزرگان و صاحبان فکر و اندیشه در قرن دوم در مواجهه با مسائل و بحران‌های مختلفی که حاکمیت اسلامی با آن روبروست سعی می‌کند تا با تعمق و تفکر در جوانب این بحران‌ها، ریشه اصلی آن را کشف نماید. نوع رفتار، گفتار و روش او در برخورد با خلفا، ارتباط با آنها برای پیروانش یک روش سیاسی را بوجود آورد. و طیف خاصی را در جامعه اسلامی مشخص نمود.

مرحله بعد از شناخت مشکلات و بی‌نظمی‌ها، پیدا کردن ریشه مشکل است. بسیاری از متفکران با مطالعه دقیق در علل بی‌نظمی و کارکرد نادرست اوضاع سیاسی، منشاء این مشکلات را پیدا می‌کنند. روند تشخیص علل، قدم بعدی نظریه پرداز است.

آخرین جزء مرحله بازسازی نظریه‌ها، ارائه راه حل است. پس از شناسایی شکست‌های نظام سیاسی یا علل شکست‌ها و یا ترسیم تصویر نظام سیاسی احیاء شده، نظریه پرداز به احتمال زیاد پیشنهادات خود را ارائه می‌دهد. البته گاه ارائه راه حل‌ها واضح است و گاه توصیه‌ها واضح و نظام یافته نیستند.

این مراحل ممکن است گاه پس و پیش شوند. اما توصیه‌هایی که برای یک تصمیم سیاسی ارائه می‌شوند، وقتی منطقی و پر معنی هستند که پس از شناسایی مشکل و تشخیص علل ارائه شوند. با همین منطقی مرحله تجزیه و تحلیل ریشه‌های مسئله نمی‌تواند قبل از مشاهده بحران و بی‌نظمی باشد. پس در روند جستار همیشه حداقل این ترتیب رعایت می‌شود.

۱- مشاهده بی‌نظمی.

۲- تشخیص علل. (تجزیه و تحلیل ریشه‌ها)

۳- ارائه راه حل.

مراحل مختلف روند، کاملاً با هم مربوط هستند ولی کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل نمی‌دهند. صورت و محتوای هر مرحله از پژوهش، بی‌آنکه کاملاً حدود و صورت و محتوای مرحله بعدی را معین کند، به آن شکل می‌دهد.

به نظر می‌رسد که شناخت هر نظریه سیاسی و اندیشه سیاسی هم بستگی به این دارد که محقق همگام با آن تفکر مرحله به مرحله و گام به گام با او همراه شود. با او دردهای اجتماع، بی‌نظمی‌ها و اختلال در نظم سیاسی را ببیند و با مشاهده بی‌نظمی و تشخیص درد و ریشه‌یابی مشکلات و معضلات جامعه بتواند به درک درستی از راه حل‌های ارائه شده توسط او نائل آید.